

بسم الله الرحمن الرحيم

گروه بندی ها و مطرح شدن مسائل شخصی بعد از پیروزی نیم رس انقلاب
 لازمه هر انقلابی است که شاید قابل اجتناب نباشد - این است که بعد از پیروزی یا بعد از اعتقاد
 به پیروزی، این مسائل شخصی پیش می آید. مادامی که در حال انقلاب هست یک ملتی (هر ملتی باشد)
 در حال انقلاب مسائل شخصی و مسائل گروهی پیششان مطرح نیست، همه اجتماعاً رو به مقصد
 می روند. چنانچه در انقلاب ایران ملاحظه کردید که همه قشرهای ملت مسائل شخصی و مسائل حزبی
 و گروهی خودشان را کنار گذاشته بودند و رو به یک مقصد می رفتند، حتی آن گروه هایی که موافق با
 نهضت هم نبودند آنها هم سکوت می کردند، طرح نمی کردند مخالفت را برای اینکه می دیدند مقابل
 ملت نمی توانند عرض وجود بکنند. لکن بعد از اینکه این پیروزی تا همین حد حاصل شد و مردم
 دریافتند که حریف را از میدان بیرون کرده اند، آن هم یک همچو حریف قدرتمندی و ریشه داری که
 رژیم دو هزار و پانصد ساله بود، بعد که مردم احساس پیروزی کردند مثل اینکه سی و پنج میلیون
 جمعیت را از زندان بیرون کرده باشند. اینها از اختناق و از زورها و چپاولگرها و اینها، یکدفعه زدند
 بیرون و بعد از اینکه خودشان را پیروز دیدند، این معنائی که لازمه انقلاب است در ایران هم حاصل
 شد و آن اینکه بعد از انقلاب توجه می شود به خواست های شخصی. در حال انقلاب اصلاً صحبت
 مسکن هیچ مطرح نبود که مسکن کی دارد، کی ندارد حتی آن زاغه نشین ها هم آنطوری که یک وقت
 نشان دادند، آنها هم در مصاحبه گفت یکیشان که ما صبح که می شود همه مان با هم می رویم برای تظاهر.
 اصلاً مطرح نبود که کسی مسکن دارد یا ندارد، کسی فلان احتیاج را دارد، فلانکس حقوقش کم است،
 زیاد است، این حرف ها اصلش در حال انقلاب مطرح نیست و در ایران هم دیدید که نبود. اما مع الاسف
 در ایران قبل از اینکه ما به پیروزی نهائی برسیم این پیروزی نیم رس اسباب این معنا شد که مردم،
 گروه ها متوجه به مسائل شخصیه شدند و توجه به آن نابسامانی هایی که در رژیم گذشته باقی گذاشته
 بود و آن گرفتاری هایی که برای همه قشرها بود و از ارث همان رژیم سابق بود. این توجه یک جهت
 شد که مردم از آن وحدت کلمه و از آن توجه خاصی که همه با هم داشتند بیرون آمدند.

گروه‌بندی‌های مختلف منفعت‌طلبان به منظور ایجاد اختلاف و فعالیت‌های تخریبی و یک جهت‌دیگر که شاید در خصوص انقلاب ما بود، آن این است که آن گروه‌هایی که بنا جمهوری اسلامی و یا اسلام روی خوشی نداشتند، یا به حسب مکتب انحرافی‌شان مخالف بودند و یا ترس داشتند از اسلام و گمان‌های باطلی درباره اسلام می‌بردند، این گروه‌ها هم شروع کردند عرض وجود کردن، این عرض وجود این گروه‌های بسیار فراوان که در روزنامه‌ها تا صد تا (یک قدری هم بیشتر یا همان حدود صد تا) گفته می‌شود که تاکنون گروه‌های مختلف تا اینقدر با اسماء مختلف پیدا شده است، این گروه‌های مختلفی که پیدا شده است به نظر آدم می‌آید که علاوه بر اینکه یک گروه‌هایی با اسلام مخالفند و یک گروه‌هایی هم از اسلام می‌ترسند ولو اینکه یک مکتب مخالفی ندارند، لکن از اسلام ترسیده‌اند و بی‌جهت هم ترسیده‌اند، لکن خوب ترسیده‌اند، علاوه بر این یک دست‌هایی زیر پرده در کار هست برای درست کردن این گروه‌های مختلف و ایجاد اختلاف کردن که الان در ایران این عوامل هست؛ یکی احساس پیروزی که دنبال احساس پیروزی برگشت به این است که حال، ما بعد از پیروزی می‌خواهیم ثمراتی داشته باشد و همچو گمان کردند که فوراً تا پیروز شدند همه چیز درست می‌شود، یک مملکتی که همه چیزش به باد رفته، یکدفعه همه چیزش درست می‌شود، این یک عامل بود. یک عامل دیگر هم آن گروه‌بندی‌هایی که شده است و دست‌هایی که در کار است، آنهایی که می‌خواهند منافع ما را ببرند و خوف این را دارند که اگر اسلام تحقق پیدا بکند و رژیم جمهوری اسلامی درست پابرجا بشود دیگر برای آنها جایی نیست، آنها شروع کردند به ایجاد اینطور گروه‌ها برای ایجاد اختلافات، دستجات مختلفی، چه باقیمانده آن رژیم سابق و تفاله آن و چه آن قدرت‌های بزرگی که طمع به ایران دارند و باز هم نمی‌توانند دست بردارند و چه این گروه‌هایی که هر کدام برای مقصد خاص خودشان و خوف از اسلام یا مخالفت با اسلام درست شده‌اند، اینها همه اسباب این شده است که الان یک اختلافاتی در سطح کشور وجود دارد و دستجات مختلفی هم فعالیت‌های به قول خودشان سیاسی دارند و یک دسته‌هایی هم هستند که اینها فعالیت‌های تخریبی دارند که خرابکاری می‌کنند. از این جهت مسأله‌ای است که بعد از هر انقلابی اجتناب‌ناپذیر است و در ایران که یکی از انقلاب‌هاست، به واسطه این جهات مختلفه و شاید بعضی جهات دیگر، این اختلافات پیش آمده است.

تکلیف بر حفظ نهضت اسلامی و جاری نمودن احکام اسلام

تکلیف همه ما، چه شما بانوان محترم و چه سایر ملت، همه، بانوان و برادران و خواهران و همه این است که در یک همچو مقطعی که ما واقع شده‌ایم از تاریخ که ما سر دو راهی الان واقع شده‌ایم، دو راهی یکی پیروزی نهائی، یکی خدای نخواسته شکست و برگشت به حال‌های اول، تکلیف همه ملت این است که همانطوری که این نهضت را با وحدت کلمه و وحدت مقصد که همه مقصدشان اسلام بود، همه با هم فریاد اسلام می‌زدند، حالا هم همان را حفظ بکنند، اجتماعات خودشان را حفظ بکنند، مساجد را پر بکنند از جمعیت‌ها، جاهایی که اجتماعات عمومی می‌شود، در جای اجتماعات عمومی

اجتماع بکنند و مطالب را، آن مطالبی که مقصدشان است و آن اینکه همه احکام اسلام در ایران جاری
شود، اینها را باز در نظر بگیرند. با این اجتماعات و با اینطور گرم نگه داشتن نهضت، این را گرم نگه
دارند تا این مسائل بعدی که باید بگذرد و این حکومت انتقالی مبدل به یک حکومت مستقر بشود،
مستقل بشود، مجلس شورا پیدا بشود، رئیس جمهور معلوم بشود تا اینکه بساط آن احزاب، آنهایی که
مخالفت‌هایی با رژیم اسلامی دارند، آنها از بین بروند و انشاء الله مملکتان را خودتان اداره اش بکنید و
خودتان مستقل، بدون اختناق استقلالش را حفظ بکنید و به پیش بروید.

البته ما برای آتیه هم احتیاج داریم به مسائلی. ما نباید همین، فرض این بکنیم که حالا ما یک
جمهوری اسلامی پیدا کردیم (و انشاء الله همه جهاتش هم امید است که درست بشود) ما نباید قناعت به
این بکنیم که در عصر خودمان جمهوری اسلامی محقق شده است، ما برای عصرهای بعد باید حالا
فکر بکنیم یعنی ما همانطوری که خودمان مقاصدی داریم و روی آن مقاصد این نهضت را کردیم،
اعقاب ما هم همان مقاصد را دارند و آنها هم احتیاج دارند به اینکه اجتماع داشته باشند، بینش داشته
باشند که بتوانند این چیزی را که شماها به دست آوردید، آنها نگهداری کنند و مملکتان تا آخر یک
مملکت مستقل و یک مملکتی که از تحت فشار دیگران خارج شده است و مال خودمان باشد و خودمان
اداره اش کنیم.

امیدوارم انشاء الله که خانم‌ها که تشریف آورده‌اند اینجا و خیلی هم در این مسائل سهیم و
شریک هستند، در این نهضت سهیم هستند، شریک هستند بلکه باید گفت اینها پیشقدم هستند، باید
گفت که مردها از اینها الهام گرفته‌اند در این نهضت، انشاء الله خداوند همه‌تان را تأیید کند، موفق
باشید، سعادت‌مند باشید و مملکت خودتان را خودتان اداره بکنید و بچه‌ها را خوب تربیت بکنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته